

گسترده‌گی معنا و کارکرد نوروز: از سبک زندگی فردی تا منطقه‌ای

آنا یوسفیان

نوروز مؤلفه‌ای مشترک و مانا به‌سان بنایی است استوار بر صلح، شادی و آرامش که گستره‌ی جغرافیایی آن دور تا دور ایران‌زمین را از غرب چین تا آناتولی، از شبه‌قاره هند و افغانستان در شرق تا بین‌النهرین در غرب و از سین‌کیانگ و آسیای مرکزی در شمال شرق تا دامنه‌های شمالی قفقاز بزرگ در شمال و آسیای صغیر در شمال غربی در بر می‌گیرد و اقوام گوناگون در تمامی جمهوری‌های آسیای مرکزی و نیز استان سین‌کیانگ در غرب چین آن را گرامی می‌دارند. در میان این گستره ترکمن‌ها، اوزبیک‌ها، قره‌قالپاق‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها (در آسیای مرکزی)، آذری‌ها و کردهای ایزدی ارمنستان، ترک‌های شمال قفقاز از جمله آذری‌های داغستان (در فدراسیون روسیه)، افغانستانی‌ها، پشتون‌ها، بلوچ‌های پاکستان و بلوچ‌ها و تاجیک‌های آسیای مرکزی، کردهای ترکیه، عراق و سوریه و تات‌ها و تالش‌های قفقاز و ترک‌های آناتولی (از جمله علوی‌ها) و ترک‌های بالکان (قاقائوزها در مولداوی در اروپای شرقی) و مسلمانان حوزه ولگا در تاتارستان، اودمورتستان و باشقیردستان و مسلمانان آستاراخان (در فدراسیون روسیه) آن را هر سال با فرا رسیدنش جشن می‌گیرند.

با این وجود ابعاد نوروز وسیع‌تر از آنست که تن‌ها در قالب جشن و آیین استقبال از بهار قرار گیرد. نوروز را می‌توان سبکی برای زندگی فردی دید. هفت سین نوروز نمادی از زندگی سالم است که به تک‌تک زوایا از جمله تغذیه‌ی سالم و دوستی با طبیعت و هم‌نوع می‌پردازد. نگاهی به یافته‌های اخیر علمی بسیاری از سین‌های هفت سین را در گروه مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان قرار می‌دهد که به توصیه پزشکان تغذیه برای به تاخیر انداختن روند پیری موثر هستند. از سوی دیگر گذاردن وقت در طبیعت و دیدار با خویشان و دوستان و داد و ستد مهر امروزه از سوی روان‌شناسان به عنوان راهی برای کسب آرامش و افزایش سروتونین (هورمون نشاط آور و ضد افسردگی) توصیه می‌شود. پیام دیگر نوروز نوشتن است که نه تنها جنبه‌ی مادی دارد که جنبه‌ی معنوی آن نیز از نوشتن فکر، اندیشه و به تبع آن روح بشارت می‌دهد. بخشی از غنای این آیین باستانی در ارائه الگویی است مطابق با یافته‌های علمی روز برای زیست‌نوعی عاری از نفرت، کینه، کهنه اندیشی و مملو از نیک‌خواهی، تازه‌جویی و دوستی.

و اما نوروز در حوزه روابط بین‌الملل همان‌طور می‌تواند جلوه کند که در زندگی فردی. تنوع کارکرد نوروز در زمینه‌های گوناگونی چون هویتی، اقتصادی، توسعه‌ای و دیپلماسی قابل بررسی است.

با توجه به سیر تحولات در دهه اخیر در تعدادی از کشورهای خاورمیانه رشد تفکرات افراطی، ضرورت جای‌گزینی آن‌ها با باورها، رفتارهای صلح‌محور، شاد بنیان و هم‌بستگی آفرین بیش از پیش احساس می‌شود. نوروز عاملی است که با توجه به پیشینه تاریخی دراز مدت و گستره جغرافیایی اش و نیز آیین‌ها و جشن‌های نمادین اش توانایی گرد هم آوردن از جنس دوستی و صلح دارد.

نوروز را می‌توان حتی موازنه‌هوییتی بر این مبنا در برابر افراط‌گرایی مجسم کرد. مؤلفه‌ای با پشتوانه فرهنگی که بر خلاف تشابهات مذهبی از پتانسیل افراطی شدن و روی‌کردهای پرچالش و تفرقه افکن به دور است.

در عرصه دیپلماسی نیز نوروز را می‌توان در جهت پیش‌برد دیپلماسی خاطرات به کار گرفت. دیپلماسی خاطرات شکلی از دیپلماسی عمومی است که در آن دولت‌ها سعی بر بهبود روابط و شهرت خود با صدور روایت‌های تاریخی و متحد کردن روایت‌های تاریخی خود با دیگر کشورها دارند که در این راستا با تمرکز بر پررنگ کردن خاطراتی که از دل آن‌ها اتحاد و هم‌بستگی بیرون می‌آید نه دشمنی و رقابت و توسعه‌ی طیف گسترده‌ای از سمبل‌ها و یا گسترش توره‌های تاریخی در به وجود آوردن حافظه‌ی تاریخی قدرتمند به منظور ایجاد اتحاد میان کشورها و ایجاد اتصال میان شهروندان به واسطه‌ی اشتراکات فرهنگی سرمایه‌گذاری می‌کنند. نوروز بی‌شک از چنین پتانسیلی برای به جریان انداختن دیپلماسی خاطرات برخوردار است. بار معنایی نوروز توان خاطره‌سازی و از میان برداشتن مرز "ما" و "دیگری" را در کشورهای برخوردار از این موهبت دارد.

تصویر بزرگ‌تر از جهان امروز و نظم نوین شکل گرفته با نقش‌آفرینی اقتصادهای نوظهور که تعداد قابل توجهی از آن‌ها در منطقه‌ی نوروز قرار می‌گیرند چشم‌اندازی قابل تأمل دیگری پیش‌رو ترسیم می‌کند. یکی از صاحب‌نظران حوزه‌ی روابط بین‌الملل، مایکل اسالیوان، نظم جدید جهان نظمی را چند قطبی شامل سه منطقه بزرگ: آمریکا، اتحادیه اروپا و آسیا با محوریت چین (و شاید چهار با توجه به چگونگی پیشرفت هند) بر می‌شمارد که با وجود تمایز از منظر اقتصاد، قوانین، فرهنگ و شبکه‌های امنیتی در حال شکل‌گیری است. از دید او در حال حاضر با توجه به تغییرات متناوبی مانند تنش‌های تجاری، پیشرفت‌های فناورانه و قوانین، جهان در حال تجزیه به مناطقی متمایز و مشخص است و نظم چند قطبی از مفهوم تئوریک عبور کرده و به ورطه عمل پا گذاشته است. در این میان نقش مؤلفه‌های مشترکی چون فرهنگ قطعاً با تمرکز آگاهانه و هوشمندانه می‌تواند تسریع روندهای منطقه‌ای شدن را در جهت تأمین منافع به صورت چندجانبه رقم بزند. منافعی که در پرتو روابط فرهنگی می‌تواند ثمره‌ی سیاسی و اقتصادی به بار آورد. منطقه‌ی نوروز می‌تواند به بازیگری مؤثر و مستقل در نظم جدید تبدیل شود و با بهره‌برداری از پتانسیل فرهنگی و جغرافیایی، پویایی‌های مورد نیاز در حوزه توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی را نیز رقم بزند.

سخن آخر این که نوروز گنجی است باستانی که در اعماق ذهن و قلب مردمان منطقه نوروز جای دارد و بقای آرام آن در طول تاریخ بر قدرت آن صحنه می‌گذارد. قدرتی که در سطوح متفاوتی توانایی نفوذ دارد از زندگی فردی مردمان گرفته تا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز کشورها در منطقه و شاید روزی در سطح جهان.